

دراوج فساد و بی کفایتی، چه زشت است ظرفیت نمائی!

کنفرانس بین المللی لندن که با هدف بررسی مسایل افغانستان بتاريخ ۳۱ جنوری ۲۰۰۶ برگزار شده بود، آقای حامد کرزی همراهی یک لشکر پنجاه نفری مرکب از بعضی از اعضای کابینه و نمایندگان هر دو جرگه در آن شرکت ورزیده بودند، محور سخنان حکومت کابل این بود که پس از گذشت چهارسال اکنون به ظرفیت و کفایت بالائی رسیده است و با این ادعا درخواست مساعدت های بیشتری را از مجامع بین المللی برای پیشبرد برنامه پنج سال آینده کشور داشت که در نتیجه دولتهای شرکت کننده در آن مجلس جمعاً پرداخت مبلغ ده و نیم میلیارد دالر را بدولت افغانستان و انجوها < ngo > وعده دادند. جالب اینکه دو سه روز پس از ختم کنفرانس افشا شد که از مبلغ یکهزار و دوصد ملیون دالری که قبلاً از سوی دول و مجامع بین المللی بدولت افغانستان پرداخت شده، دولت افغانستان چهارصد ملیون آنرا بمصرف رسانده و متباقی هشتصد ملیون دالران از بی برنامهگی و بی کفایتی از مصرف باز مانده است. این به آن ماند که در خانواده بیکار، بی سرپنا و گرسنه رئیس خانواده با جیب پر از پول نزد همسایه ها رفته توجه آنها را بحال زار خانواده اش جلب کرده تقاضای کمک نماید، همسایه ها که از وضع جیبش خبر دارند مسلماً به او خواهند گفت برو آنهمه پول های را که داری خرج فامیلت کن بعد تقاضای دیگر نما.

درحکومت آقای کرزی اگر کمی کفایت و صداقت میبود با سیزده میلیارد دالری که ظرف چهارسال مردم جهان به افغانستان مساعدت نموده اند اکنون ملیونها جوان بیکار، و صدها هزار فامیل بی سرپناه و ده ها هزار زن و طفل گدا در کشور وجود نمیداشت، درکشوری که رقم سیزده میلیارد دالر واقعاً رقم بی سابقه است، در نظام شاهی و جمهوری محمد داود، اکثراً کارمندان دولت به رقم میلیارد آشنائی نداشتند که چند ملیون میشود، و کل بودجه دولت بیک میلیارد دالر نمیرسید، با آنهم از همان مدرک عواید داخلی و کمک های ناچیز خارجی گذشته از پرداخت معاشات و مصارفات، سالانه ده ها پروژه خورد و بزرگ هم تکمیل و به ثمر میرسید.

مشکل امروز کشور یکی دو تا نیست. آقای کرزی پراگماتیک امریکائی مشرب در ظرف چهار سال به اصطلاح کلوخ گذاشته از آب عبور کرده است، ببینید وزارت دفاع با مصارف نهصد ملیون دالر در کنار نیروهای آیساف نه تنها قادر به سرکوب تروریستها و از بین بردن نیروهای دهشت افکن نشده که خود هم باعث آدم ربائی، دزدی و چور و چپاول شده است و در نتیجه هزاران نفر در مناطق جنوبی کشته، ده ها مکتب طعمه حریق و دوصد مکتب بسته و اخیراً شعله آتش جنگ از زندان پلچرخی که گفته میشود تحت مراقبت شدید قرار دارد نیز زبانه کشید.

تولید مواد مخدر که مردم جهان را بلرزه در آورده است، آقای کرزی اقلأ به وزیر داخله اش این اجازه را نداد که لیست اسامی مافیای مواد مخدر را افشا نماید.

بوزارت عدلیه و لوی څارنوالی نگاه کنیم که از فساد رشوه ستانی و خیانتکاری فغان مردم به آسمان بلند شده، سرانجام چندی قبل آقای کرزی لب به سخن گشوده فرمودند که موجودیت جناب مولوی صاحب شینواری در دولت برای حفظ وحدت ملی بسیار مهم بوده، این به آن معناست که اگر همچو افراد در مقام وزارت قرار نگیرند کشور تجزیه میشود، از نظر کرزی شینواریها و دیگر اقوام هیچ وابستگی و منفعتی در افغانستان حس نمیکند، فقط

بخاطر گل روی افرادی چون مولوی شینواری در دولت راضی شده خود را مربوط به افغانستان میدانند و اگر این جنگسالار ها در مقامات بلند دولت جا نیابند اقوام مذکور قهر کرده به پاکستان و یا کشور دیگری ملحق میشوند !!! به آقای کرزی باید گفت: جناب عالی تعیین افرادی مثل مولوی شینواری و دیگر جنگسالاران بی کفایت که مردم را به ستوه رسانده اند نه تنها موجودیت شان در مقامات بلند دولتی سبب تامین وحدت ملی نشده و نمیشود بلکه وحدت ملی را تضعیف و خدشه دار نیز میکند، برای تامین وحدت ملی، تامین عدالت اجتماعی و راضی نگهداشتن همه مردم افغانستان مطرح است، بهتر بود در مقام لوی خانونالی و یا وزارت عدلیه یک فرد از قوم دیگر و یا یک فرد شینواری تحصیل کرده مسلکی و صادق تعیین میشد تا مردم با دیدن اجرات سالم و قانونمند در آن مقامات از کار شان تمجید کرده به لیاقت و صداقت آن فرد و قومیکه آن فرد به آن تعلق داشت آفرین میگفتند.

در مورد پارلمان هم با یک اشاره گذرا میخواهم بگویم، یک اکثریتی که از جنگسالاران در آن نهاد راه یافته اند بیشتر از هر مسأله دیگری ناشی از همان روند نادرست و تصامیم غلطی بوده که از کنفرانس بن تا انتخابات ولسی جرگه با طراحی آقای زلمی خلیل زاد و عملکرد آقای کرزی زمینه سازی شده است و تاجائیکه پیداست امریکائها و کرزی به این تصور بوده اند که همه قضایای بغرنج افغانستان را میشود از طریق ارضای جنگسالاران با پرداخت دالر و پیش کش نمودن مقام به آنها حل کرد و همراه با آنها و بکاربرد سلاح علیه طالبان و سازمان القاعده به مشکل تروریزم و بحران افغانستان نایل آمد، ولی دقیقاً فکر نکرده اند که ماهیتاً بین طالبان و جنگسالاران مخالف آنها چه فرق و تمایز است؟ اگر ملا محمد و گلبدین حکمتیار، روی استقرار حکومت اسلامی و اجرای اصول شرعی پا می فشارند، برهان الدین ربانی، عبدالرسول سیاف و دیگر دار و دسته هایشان نیز همین را میخواهند و از یک دید به مسایل نگاه میکنند، چنانکه در لویه جرگه ها بخصوص در لویه جرگه قانون اساسی بوضاحت دیده شد که جنگسالاران و شریعت مداران با چه جدالی مهر شریعت اسلامی را بر فورم دولت و قانون اساسی کشور زدند، اگر در قانون اساسی ذکری مبنی بر رعایت حقوق بشر بعمل آمده است فقط ظاهراً بخاطر دلخوشی روشنفکران و نقطه اتکای تظاهری بوده برای دولت مداران که ریاکارانه گویند درین کشور، رژیم دموکراسی برقرار است.

برای جنگسالاران طبعی بود که چنان قانونی را تدوین و تصویب نمایند اما مقصر کسانی اند که چنین فرصت و مجالی را برای آنها فراهم ساختند آنهم در چه وضعیتی که همه پاسداران اسلام رنگارنگ شکست شرمسار نصیب شان شده بود و در داخل و خارج از اعتبار افتاده بودند، در آن فرصت بی نظیر تاریخی میشد با تدوین و تصویب قانونی مبتنی بر حکومت سکولاریسم در کشور، ملت را برای همیشه از شر این شریعت مداران خونخوار و زر اندوز نجات داد. شاید این پرسش پیش کشیده شود که از راه یافتن جنگسالاران در لویه جرگه قانون اساسی چگونه ممکن بود جلو گیری بعمل آید؟ در پاسخ باید گفت اینها از همان دزدان با پشتاره بودند و هر کدام شان بیشتر از اسد الله سروری رئیس خاد کوله باری از خیانت و جنایت علیه بشریت را بردوش داشتند و دارند، بناءً شاید حالا کرزی و امریکائی ها دریافته باشند که با اینها نمیشود کار کرد و احتمالاً غیر مستقیم به نمایندگی سازمان دفاع از حقوق بشر در افغانستان و خانونالی چراغ سبز داده باشند که بنا بدرخواست و شکایت افراد به محاکمه کشیدن بعضی جنایتکاران اقدام نمایند و اولین بار هم از اسدالله سروری آغاز نمایند تا تهدیدی باشد برای آن جنایتکارانیکه با زور و نیرنگ در پارلمان راه یافته اند و در آنجا هم آرام ننشسته برای حکومت مشکل و درد سر خلق میکنند ولی باور نمیتوان کرد ایگونه مانور ها به حل مشکل موثر واقع شود، بهرحال مشکل موجود و مشکلات و گرفتاریهای بمراتب

دشوارتر از امروز که در آینده تبارز خواهد کرد بیشتر از هر دلیل دیگری ناشی از مصلحت جوئیهای عاقبت نیندیش خود کرزی بوده و حالا احساس این ترس بوجود آمده که مبادا بار دیگر کشور در گرداب جنگهای داخلی فرو رود .

پایان